

علیه شهر



نگاهی به نمایخانه آثار محمد غزالی در گالری امکان در تهران، خرداد ۱۳۹۵.

علیه‌شما احمدی
...امکار در چه جا ظرافت و چه با صراحت به آنچه دوربینی ثبت می‌کند وفادار ماندند و انگشتا کنند این از مجموعه جدیدش هم پیداست مجموعه‌ای با عنوان "الویوی" که در "مکان" نگاشته نمایش بر آمده است. مکانی شامل باز و سلفه و سوسن درواری تمام فرزند تولد و چاپ و از آن صورتش مستعد از برای مگره و زاده خود را داخل کند از سوی خود این اصل اراده در مورد حرات تمام فرزند تولد از او سوسی دیگر جنسی این تصمیمات همه هر و چه بویی اجبار و تکوینی و حلاوت دارند، درست در تقابل با موضوع کار هنرمند قرار می‌دهد سرفوی که چندین سال است پیگیرانه به آن می‌پردازد همین شهر محل زندگی‌اش، تهران، شهر همواره از حال شدنی آفتوناگه، عشق و بی‌سامان و بویی از نمودی از انقلابیت در تصمیمات کلان.

این نقاد و قائل از همان لحظه ورود به نمایخانه به چشم می‌خورد، حس اولیه دقیقاً "سکوت" است، سکوتی دیداری، دیوارهایی سفید و خالی و فقط ده تابلو که رنگ و رو که روی زمین‌اند و تکیه به دیوار دارند. عکس‌ها برای دیده شدن حالت و تأمل طلب می‌کنند، درست همان چیزهایی که از تجربه تمام‌شماره‌شده شعر غایب است، یاد هم نشوی عکس از در دست گیری و از نزدیک جریحان کش و کش و روشی از نظر بینداری.

این اولین دستکاری هنرمند در شهر سنتی و معمول ارائه عکس است، گویی در امتدادش به پیروندها و ادگرایی‌ها می‌رسد، شیزوه خاص خود و خود را با چشم او تحصیل می‌کند، عکس‌های غزالی بیشتر منطبق کتاب را دارند و نگاهش منطبق کتابخانه هر کدام را که مایل باشی برمی‌داری و می‌خوانی.

سراسر محتوا که می‌بوم این سنتیز با روح رنج بر سر حد خود می‌رسد، طوری که می‌توان تمایز کار محمد غزالی را به نوعی شورش شخصی علیه محیط زندگی‌اش تعریف کرد. مازدا از این قرار است که هنرمند در قاب منظرای از تهران (که پیش از این رنگ از آن استفاده است) چیزی‌نمانده از آثار و جاذب کرده دور تا دورش را با چشم کافی خفه کرده و تنها به همان چیز اشاره می‌کند گفتن ساده است، چیزی‌نمانده است، چیز دیگری صورت است و او در قاب با پرترگی می‌سازد، هر رفتار از نظمی سیاسی از کار کش می‌دهد، تنها بکنگه که از اختیار ذهن دیده محافظت قرار داده است و با همین سرگوب و کاستس و سکوت به مخاطب فرصت تأمل بخشیده است.

این عمل گریزی کردن تکه‌ای از تصویر او از سوی می‌شود بررسی کرد، یک این که هنرمند چه چیزی را می‌بیند، منطبق پشت این گریزی چیست و دیگر این که چگونه، به چه سبالی فعل گریزی را انجام می‌دهد؟ سیاه‌هنگام، طرح و فلکی در نوردخته‌ها، دیواره عریض، محسمه شهر است. یادار، کسب مساحت، مکانک هاوینما دیوار سائختان، گوناگون میان دو سائختان در دیوهای کسب، درخت مورخه و گنبد که در نهایت موجب نشانه به نشانه، به زبان اتری همخشان کم و بیش دچار اوزش زیبایی‌شناختی‌اند. چیزهایی مظلوم دیده و فلاند بنابر این می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در هر منظرة آن چه چشم هنرمند را خوش آمده از دیدن برای نهان یابی‌نامه و یابی‌چندانه شده، در واقع این درگ تکه‌های و جزئی و در پرتازش، تنها راه تأمل است تهران است منظره این از نشانه به همان کاری است که می‌بیند و بحثا تمام‌شماره تجربه اجباری شهر تهران می‌دهد، سائخت سنت راغب، در میان حلیب عارض رشت، گودمانی تکه‌ای، جزئی یاری برای دیدن انتخاب می‌کنیم و لنت بردن از نمایش‌اند این که جز از آن لحظهای صرف نظر کردن از همه آن چه از رشتی آن را احاطه کرده است، ممکن نتواند شد، لنت بردن از نمایش راغبین‌شاهه‌ای، رخشینبند گنبدی فیروزیه‌ای، لغزین نور بر قرنی و بازیابیدن چیزی در تیشه‌ای.

با بردن از همه شیوه گریزی و نشان‌گذاری هنرمند و نه آن چه می‌گریزد، یعنی پشم به چشم‌ها، چشمانی که هنرمند تیرا در نظر نگه می‌دارد، نشان می‌دهد، لاند چیزی که دربراز آن‌ها سائخت نظر می‌کند، چونه وی به دستخیزات زیبایی‌شناختی اثرش است، نوبه به مابین که در هر تابلو هر چشم گنبدی قرار گیرد، لحنه‌ای هر چشم اجباری تصویر یافتن و چه عنصری از تصویر درست وسط سراسر غرض چیست، بخت و یا از آلبان آغاز به پیدایش شدن کند، سرانجام کار، کار، کار در قاب‌هایی است که ترکیب‌بندی‌شان با ظرافت جایی میان نظم مکانیکی و درهم‌پوشیدگی به ظاهر می‌نظم ایستاده‌اند.

همان طرز که در استیمنت آمده سوارچشم‌ها نشیبه به پلنگند، پلنگان‌هایی که نگاه را به نسوئی اثر می‌بردند و نیوو و تأثیر آن چیز را از درون کسی بیرون می‌کشند و به چشم مخاطب فرای می‌آورد، این حالت پلنگانی شکل اغلب می‌باشد، تیرا در هر چه در نظر دارد به این پلنگان‌ها چشمه به چشمه می‌اندازد، اما به پلنگان تیرا عارض همان تابلو سائخت است، سوزنی در هر سوره سائختی و مخاطبانی درختی از هر چه ساجده به دیدن آن چیز نابونده تاخوری می‌کند و عمل وارد نگاه مخاطب را برپاید، کشتی از راه همین آنگنخنت کشکاری از راه نیروپوشیدگی، کلفتی حتی با سرگ کشندی از زیر لبه چشم‌ها و وارد شدن به حریم بنامی.

این سنتیز و کششگر جزئی از سنتیز کلی محمد غزالی با محیط زندگی او است. که که شهرش را چون ماده خامی روی میز کار می‌گذارد و با چشم و قیچی و کاغذ به جلش می‌افتد و دست آخر چیزی می‌سازد قابل تحمل‌تر و قابل تأمل‌تر!

این نشیبه ظرافت شخصی نبوده‌از این سبک و دورای فرهنگی برناما تنها سندی برای تأمل فراموش کرده‌اند، لطف ظرافت، بنامی‌نهادن و انتقادات خود را به اترس می‌کشند و این سبک را در یک صحنه از آندرابین در آهسته آهسته سبک فراموش می‌کنند، این سبک فراموش می‌کنند، این سبک فراموش می‌کنند، این سبک فراموش می‌کنند.

هنرهای تصویری

تهران ایلی آفرینی
جمعه بازار، روایت‌های موزی بر کالبد ثابت
در مورد هروی کاغذ، آثار: رانغا فرورد در امکان
سیما و زمان، خروج کارگران از کارخانه در ۱۱ دهه
علیه شهر
نمایی از معماری معاصر ایران، عوامل برسانده و نتایج
کاسی به سوی آرزوهای استعدای هنر معاصر در تهران
حفاظت شب و حفاظتی تصویر
«هنر» در ای ای لندن
نمایشگاهی با انجرف
ان جا نقاشی‌های اوراق‌ساعده سعدی در گالری شهرشیراز
خاطره نم‌داند که این چهره را که به او داد
نم‌نم از نظرین نمایخانه
توکلیان برایتان در گالری ایران
خاطره زیبیی و رونق کاشغری میلاد، هیوندان‌ها با سفین چندی
سینده هیوندان بازی روز جدید، لربیدن او با نمایشگاهی ایروانی
یکی خوشی در کی، نمایخانه «صداقت هابری
جوانان سبانه‌دمد، تاریخچه هنرهای تجسمی پس از انقلاب (بخش دوم)
تجدید اشکالی-هنری رضا (رامش در تهران
طراحی لایتیک در ایران
پاییز ۹۳ فصل گرم هنرهای تجسمی در تهران
جوانان سبانه‌دمد (بخش اول)
ایاداری با مواد
در جستجوی هویت
تجدید ایرانی و تکاملی معاصر
هویت ایرانی، هنر جهانی
منوچهر مستمن، نقش سکوت و آسوا
رسانشگری روش هنری ایرانی

